

بلائی بنام گرانی

به برکت رژیم تبهکار شاه مصائب مردم مبین ما از اندازه بیرون است، آنها امنیت ندارند، آموزش ندارند، بهداشت ندارند، مسکن ندارند، از بی حقوقی رنج میبرند، سالهاست گرانی آنها را بسته آورده است. اکنون گرانی، کمپانی کالاهای مصرفی روزانه نیز افزوده شده است.

قیمت اجناس بیوزنه اجناس مورد نیاز عمومی مانند گوشت، حبوبات، میوه و سبزیجات، قند و شکر، اجاره خانه و... بطور سرسام آوری بالا میروند در حالی که دستمزد کارگران و زحمتکشان، حقوق آموزگاران و کارمندان جز دولت در سطح ثابتی باقی مانده است. مردم مبین ماکه بزرگترین ران زندگی خود و خانواده خود را سرهم نمیکردند، اکنون در چنان تنگنا قرار گرفتهاند که حتی تهیه نان خالی و سکونت در یک اطباق کوچک نیز از توانائی آنان بیرون است، این نان خالی هم مدتی است کمیاب شده است و به آسانی بدست نمیآید. بطوریکه که روزنامه ها مینویسند اجاره خانه ۴۰ تا ۷۰ درصد در آمد خانواده ها را می بلعد.

برای شما "استدلال" میکنند که گرانی و کمپانی پدید آمده جهانی است. درست است گرانی و تورم نتیجه بحران اقتصاد جهانی و پولی دنیای سرمایه داری است. اما در کشورهای پیشرفته کارگران و زحمتکشان برای بهبود وضع زندگی خویش در برابر گرانی عکس العمل نشان میدهند و سرمایه داران و دولت را به افزایش دستمزدها و حقوق ها و لو افزایش نه در سطح افزایش قیمت ها و امید دارند. اما در ایران مبارزه کارگران و زحمتکشان برای افزایش دستمزد ولو ناچیز بوحشیانه ترین وجهی سرکوب میشود. وزارت کار در برابر افزایش سریع قیمت ها و برای تسکین کارگران وعده هایی در زمینه افزایش دستمزد ها میدهد ولی طرفی دو سه سال اخیر این وعده ها همه بر روی کاغذ باقی مانده و هیچ اقدام عملی صورت نگرفته است. در نتیجه دستمزد کارگران اکنون قریب یک پنجم درآمدی است که برای حداقل زندگی یک خانواده سه تا چهار نفری لازم است.

شما میگویند که گرانی و کمپانی اجناس مصرفی عمومی باعث افزایش درآمد مردم و افزایش مصرف است. شایسته کارگران خلاقه بگوش اگر دروغ نگویند وضع ورشکسته اقتصاد کشور وضع رقت بار مردم را چگونه توجیه کنند. اکثریت شکننده مردم ایران را کارگران و دهقانان تشکیل میدهند که مطابق ارتقا رسمی دستمزد ماهیانه آنها از سیمصد تومان تجاوز نمیکند. وضع دهقانان به مراتب از اینهم رقت بار تر است. با این مبلغ که قریب نیمی از آن هم بابت اجاره خانه میبرد چگونه میتوان از حداقل زندگی برخوردار بود تا چه رسد از افزایش مصرف سخن گفت.

رژیم ایران برای مبارزه با گرانی و کمپانی دست بیسکه رشته اقداماتی زده است.

نخست به "تعمین و تثبیت" قیمت ها در سطح عدم فروشی و خرده فروشی پرداخت. اما صاحبان سرمایه قبل از اعلام نرخ دولتی بر قیمت واقعی اجناس خود افزودند تا علیرغم "تثبیت" قیمت ها آنها را گرانتر بفروشند. "برچسب قیمت" وقتی میتواند مفید باشد که قیمت عادلانه باشد. ولی وقتی نرخ ها بالا است نه تنها هیچ فایده ای ندارد بلکه بقول مردم گرانفروشی را به صورت مقطوع و رایج دارد. (کیهان ۳۱ فروردین ۵۳) سپس برای مبارزه با گرانفروشی، تسهیلاتی برای وارد آ کالاهای مصرفی مانند گوشت، گندم، کره، پنیر، تخم مرغ، میوه، قند و شکر وغیره فراهم آورد. بقیه در صفحه ۲

به توفان کمک مالی بوسانید

دست امپریالیسم آمریکا از ویتنام کوتاه!

است که این اقدامات از ریشه با مواد معاهده پاریس یعنی بر خروج ارتش آمریکا و عدم مداخله در امور داخلی ویتنام منافات دارد.

معاهده پاریس شمر است بر اینکه در ویتنام جنوبی در منطقه دوازدهم دولت وجود دارد. اما نیکسون و مقامات آمریکائی رسماً اظهار میدارند که تیر و سازمان اداری آن را بعنوان یگانه نماینده ویتنام جنوبی برسمیت می شناسند و از آن پشتیبانی خواهند کرد. آمریکا که هنوز از مقاصد نو استعماری خود نسبت به ویتنام چشم نهوشیده است، در تیر ویتنام تحت حمایت خود مقاصد خود را می بیند و او را بیش از پیش تحت حمایت خود میگیرد. هم اکنون سرورگه کمپانی های نفتی آمریکائی در ویتنام جنوبی پیدا شده که با دولت پوتشالیستی شایگون قرارداد برای اکتشاف نفت امضاء کرده اند.

در معاهده پاریس برای مردم ویتنام جنوبی همسنة آزادیهای دموکراتیک محترم شناخته شده است. اما دولت پوتشالیستی در منطقه زیر کنترل خود رژیم ترور و اختناق را بر سر منوال سابق ادامه میدهد.

بدین ترتیب بر اثر مداخلات گستاخانه امپریالیسم آمریکا و پشتیبانی از تیر و معاهده پاریس فقط کنگره بر روی کاغذ باقی مانده است. مشمول تنظیم این وضع امپریالیسم آمریکا است که با دست عامل خود در شایگون از اجراء مواد موافقت نامه پاریس سر باز میزند، دولت پوتشالیستی با پشتیبانی و کمک نظامی آمریکا هر روز قرارداد آتش بسازی تقصیر میکند. تجاوز شایگون به منطقه تحت کنترل دولت انتقال ویتنام جنوبی و بمباران این مناطق و کشتار مردم بی دفاع امری عادی و روزمره است. مطبوعات جهان و از آنجمله در خود آمریکا این تجاوزات مستمر را در اخبار خود مینویسند. تیر و مقامات دیگر شایگون هیچگاه مقاصد خود را در نابود کردن دولت انقلابی ویتنام جنوبی و ارتش نجات بخش آن پنهان نکردند.

به این نیاوه های تیر و گوش دهید. بقیه در صفحه ۲

امپریالیسم آمریکا در جنگ تجاوزکارانه و طولانی خود علیه خلق قهرمان ویتنام دچار شکست مقتضای گریز و مجبور شد ارتش خود و افسار خود را از این کشور فرا خواند. معذک از طامع نواستعماری خود نسبت به ویتنام جنوبی دست برداشت و قصد دارد با دست نوکر وفادار خود تیر و این کشور را تحت نفوذ و استیلای خویش بکشد.

امپریالیسم آمریکا و نوکر پست آن در شایگون مجبور شد معاهده آتش بس پاریس را امضاء کنند ولی در عقیده آنها نسبت به ادامه جنگ تغییری صورت نگرفت. اکنون امپریالیسم آمریکا بر اساس دکترین نیکسون عمل میکند. او در تلاش است که حالت جنگ را همچنان در ویتنام حفظ کند تا بخیال خود بهریر زمان نیروهای انقلابی را از ویتنام جنوبی "ریشه کن سازد". تشدید عملیات جنگی در ماه های اخیر نیز نتیجه تشدید مداخله امپریالیسم آمریکا است.

امپریالیسم آمریکا موافقت نامه آتش بس پاریس را امضاء کرد لکن نه تنها از اجراء آن سر باز زد بلکه علناً و بی پروا به نقض آن پرداخت. بنا بر مواد این معاهده امپریالیسم آمریکا موظف گردید ارتش خود را از ویتنام بیرون بکشد و پایگاه های نظامی خود را برچیند و از هرگونه مداخله در امور داخلی این کشور احتراز جوید. اما آمریکا بجای برجیدن این پایگاه ها آنها را پنهان صورت به شایگون منتقل ساخت. ارتش خود را بیرون برد ولی تمام اسلحه و تجهیزات این ارتش را برای شایگون باقی گذاشت. به اینهم اکتفا نکرد و کمک نظامی خود را همچنان به شایگون ادامه داد. تعداد زیادی از نظامیان خود را به هیت شاوران غیر نظامی در آنجا حفظ کرد. سپس بر تعداد آنها نیز افزود بقسی که اکنون تعداد آنها به بیش از ۲ هزار نفر میرسد و همین ها هستند که امروز نقشه های عملیات جنگی بخاطر توسعه منطقه زیر نفوذ تیر و طرح اداره و رهبری میکنند. در اوایل سال جاری نیکسون برای شایگون از کنگره قریب یک ملیارد و نیم دلار کمک نظامی خواست یعنی تقریباً دو برابر کمک سال گذشته. روشن

«پیکار» در تب اتهام زدن

هرچه بیشتر و هوشیاری افزونتر راه نفوذ او را قطع کرد. و مبارز قاطعانه کفدراسیون را بر علیه مجموعه دستگاه تقویت نمود. نتیجه گیری روینونیست ها برعکس آن یعنی نفی مبارزه است. اگر "بی خطر" بودن شرط مبارزه است پس اساساً چرا باید مبارزه کرد؟ مگر نه است که مبارزه غیر علنی و مخفی نیست. مخاطرات فراوانی در بر دارد؟ مگر نه است که تعداد بیشما از فرزندان قهرمان خلق ما که با شهادت رسیدند و یا در زندانهای محمد رضا شاه بسر میبرند، در اثر فعالیت انقلابی مخفی گرفتار و زخمی شده اند؟ آیا باید مبارزه آنان را نفی کرد و یا گوشش نمود راه نفوذ پامیر را مسدود ساخت. در واقع منطق روینونیست ها به نفی حتی مبارزه مخفی میانجامد.

در واقع روینونیست ها اکنون مدتهاست که نه تنها دشمن کفدراسیون اند بلکه مخالفتها تشکیل هرگونه سازمان دانشجویی را نیز شعار خود قرار داده اند و برای اثبات نظر خویش از زمین و آسمان تار و پود تئوریک و سیاسی میبافند تا شاید با آن کسی را در دام اندازند. واقعیت امر آنست که روینونیست ها از آنجهت با کفدراسیون مخالف بوده و هستند که سیاست تسلیم طلبانه آنان در میان دانشجویان جانی ندا کفدراسیون نیز به راهی که آنان نشان میدادند یعنی تبعید بی چون و چرا از روینونیست های شوروی - تروتسکیست - اگر روینونیست های حزب توده تا این اواخر فقط مخالف کفدراسیون نبودند از آنجهت بود که امید داشتند شاید زمانی افکار آنان مؤثر افتد و کفدراسیون "دیگری" در راه "دیگری" پدید آید. رسوائی روینونیست ها و شکست های بی دریغی آنان در صحنه های سیاسی این امید آنان را نیز نقش بر آب ساخت. بهر چه نیست که اکنون مخالف هرگونه تشکیک وسیع دانشجویی هستند. "پیکار" ارگان ضد دانشجویی روینونیست های حزب توده وجود این یا آن عنصر خائن و جاسوس را در کفدراسیون وسیله اتهام زدن به آن و تخطئه مبارزات آن و ایجاد عدم اعتماد نسبت به رهبری آن ساخته. بقیه در صفحه ۲

روینونیست های حزب توده ایران دشمن سر سخت کفدراسیون اند. «پیکار» آنان، ارگان اتهام زنی دروغ برانگیز و ناسزاگویی علیه کفدراسیون، ارگان همدستی وهم گامی با ارتجاع و سازمان امنیت ایران است. آنچه «پیکار» ارائه میدهد و کوشش دارد در زدن دانشجویان ایرانی فرو برد چیزی نیست جز بیان خواست و اراده ارتجاع ایران مبنی بر نابودی و انحلال کفدراسیون در لباس "مارکسیستی" و با زبان باصطلاح دلسوزی.

"پیکار" علناً و رسماً میگوید از آنجا که ارتجاع ایران با هرگونه مبارزه توده های متشکل و علنی مبارزه میکند و سعی در شناختن مبارزین دارد، از آنجا که ترور و خفقان پیدا میکند بنا بر این باید کفدراسیون منحل شود و بجای آن تجمع پراکنده در شهرهای دانشجویی و کارمندی انقلابی در میان دانشجویان برنامه عمل مبارزین قرار گیرد. آیا میتوان به این نظر بجز بیان صریح تسلیم طلبی و کنار گذاشتن مبارزه دانشجویی چیز دیگری اطلاق کرد؟ آیا صرف وجود ترور و اختناق باعث ترک سنگر مبارزه علنی آنها در خارج از کشور میگردد؟ بدون تردید نویسندگان "پیکار" که به تاریخ مبارزات خلق ایران و خلقهای جهان حداقل آشنائی را دارند میدانند که مبارزه بر علیه استبداد - آنهاست استبداد محمد رضا شاه - نمیتواند بدون کمترین قربانی انجام پذیرد. تلاش و کوشش سازمان امنیت بخاطر نفوذ در سازمان طلبی و حتی مخفی امری است بدیهی و همه بر آن آگاهند. نکته اساسی آنست که آیا باید با آن مبارزه کرد یا تسلیم آن شد. روینونیست های حزب توده راه دوم را برگزیده اند. ما بر آنیم که باید آنچنان روشها و شیوههایی بکار بست، آنچنان کار کرد که مبارزه تمام انقلابیون و عموم مردم بر علیه دستگاه حاکمه در تمام سطوح ممکن و با کمترین قربانی صورت پذیرد. از این مسئله که گویا سازمان امنیت در کفدراسیون میتواند نفوذ کند، نتیجه گیری منطقی میشود که بنا بر این باید با نیروی

سلام برادرانه ما به زندانیان سیاسی!

دست امپریالیسم... بقیه از صفحه ۱ ؟ کمونیست‌ها می‌گویند دولت دیگری در صورت نام جنوبی بوجود آورند، آنها خواستار آزادی‌های دموکراتیک اند، خواستار آزادی رفت و آمد میان دو منطقه تا با تجارت آزاد و در فرصت مناسب اقتصاد جمهوری ویت نام (دولت پوشالی سایگون - توفان) را نابود سازند. آنها همچنین خواهان مذاکرات آزادی‌های دموکراتیک و آزادی مطبوعات اند، باین منظور که در صفوف مردم ویت نام جنوبی به تغییرات کمونیستی بپردازند.

"نیروی دفاعی خلق" ؟! باید در سراسر کشور ریشه این سازمانهای کمونیست را برکنند و از این طریق دولت را تحکیم و صلح را حفظ کنند.

از این اظهارات معلوم است که دولت پوشالی سایگون چه نوع صلحی میخواهد و چگونه عمل میکند. صلح در قیام و سایگون یعنی ادامه جنگ بمنظور سرکوب دولت انقلابی و ارتش نجات بخش ملی و مقامات آمریکائی نیز درست با این صلح و این طرز عمل موافقت دارند و خود آنها تئوریا با این امر موافقت میکنند. موافقت نامه پاریس پیروزی بزرگی برای خلق ویت نام است. امپریالیسم آمریکا و تئو هیچگاه با معاهده آتش‌بس پاریس موافقت نداشتند. این جنگ قهرمانانه خلق ویت نام بود که قدرت عظیم نظامی، اقتصادی و مالی آمریکا را در هم شکست و آنها را بیای بی‌بازی اجباراً موافقت نامه کشانید. جای تعجب نیست اگر مقامات واشنگتن و سایگون بجز اجرای معاهده آتش‌بس سرباز می‌زنند و در عمل بطور مداوم آنسرا نقض میکنند.

علیرغم این واقعات امپریالیسم آمریکا و مقامات سایگون برای آنکه مدخله نظامی خود را در ویت نام موجه جلوه دهند بیشرمانه بدولت انقلابی ویت نام جنوبی اتهام می‌زنند که گویا موافقت نامه پاریس را نقض میکند. نمایندگانی که در کمیسیون بین‌المللی نظارت بر آتش‌بس نشسته‌اند نقش زشت اجرا سیاست مداخله‌گرانه آمریکا را بر عهده دارد. او بی‌بسته علیه دولت انقلابی ویت نام جنوبی و جمهوری دموکراتیک توفان ویت نام به تحریکاتی دست می‌زنند و با تحریکات و دسائس خود به امپریالیسم آمریکا در عدم اجرای معاهده آتش‌بس یاری می‌رسانند. از ما بپندد شاه ایران هم جز این انتظاری نیست.

"پیکار" ... بقیه از صفحه ۱ می‌گوید: "مگر ساواک تا رهبری کفدراسیون نفوذ نکرده است؟" از روزی که دولت‌ها سؤال می‌کنیم: مگر در حزب توده عناصر دشمن حتی تا مقامات بالای آن نفوذ نکرده اند؟ مگر تجربه جنبش انقلابی با رها نشان نداده است که دشمن تا کجا عناصر خود را به پیش می‌راند؟ "پیکار" کوشش عجیبی دارد که از وجود این عناصر و فعالیت کم و بیش آنان در کفدراسیون وسیله‌ای برای تخطئه فعالیت کفدراسیون و ترساندن توده‌های جوان از کفدراسیون فراهم سازد. "پیکار" در واقع میکوشد از برتری ارتجاع بر کفدراسیون که نشانه حقانیت مبارزات آنست سلاح حمله مجدد بر کفدراسیون بسازد. آنرا نشانه "می‌نگر" و "خطرناک" بودن کفدراسیون جلوه دهد. و فعالیت در یک سو؛ ارتجاع و سازمان امنیت بمنظور نفوذ در کفدراسیون و نابود ساختن آن از دیون فعالیت میکند. روزی که های حزب توده برای بی‌اعتبار ساختن کفدراسیون و بهر آن انداختن توده‌های جوان از کفدراسیون و رهبری آن این کار و آن در می‌زنند. این هر دو کوشش مکمل یکدیگرند و سیا نابودی کفدراسیون را دنبال میکنند.

"پیکار" خورجینی مالامال از اتهامات رنگارنگ زارد که گاه گوشه‌ای چند از آن بر میگردد. اتهام دیگر "پیکار" به کفدراسیون همان است که سازمان امنیت نیز به کفدراسیون می‌زند. بنا بر این اتهام "کفدراسیون نه یک سازمان توده‌ها و است و نه در آن توده‌های غیر سیاسی شرکت میکنند. کفدراسیون محل تجمع گروههای چپ‌رو و چپ‌نمای سیاسی است." واقعیت آنست که در کفدراسیون توده‌های دانشجو شرکت میکنند. در میان این توده‌ها بدون تردید دانشجوها نیز وجود دارند که تعلقات سیاسی خاصی دارند و یا حتی متعلق به این و یا آن سازمان سیاسی اند. روزی که حزب توده بز آنست که سازمان توده‌های گویا باشد متشکل از "توده‌های غیر سیاسی" باشد و در آن گروههای سیاسی و بقول آنان "گروههای چپ‌رو" اساساً شرکت نکنند. آنها وجود

بلائی بنام... بقیه از صفحه ۱ یعنی بازهم درهای کشور را بروی کالاهای خارجی گشود. این اقدام بجای آنکه برفع گرانی یاری رساند موجب انتقال گرانی از دیگر کشورها به کشور ما است.

از اینها ضحک تشویق مردم است به اینکه کمتر صرف کنند و پولهای خود را پس‌انداز نمایند و برای آنکه این اقدام مسخره مورد استقبال واقع گردد بر نرخ بهره نیز ۱/۵ درصد افزودند. در واقع به مردم فقیر و تهیدست میهن ما توصیه شد که نان خالی هم کمتر بخورند و پول خود را پس‌انداز کنند! بعد مبارزه با گرانی بصورت مبارزه با "گرانفروشی" درآمد. در کار اقدامات فوق مسئولیت نظارت بر تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از گرانفروشی بعهده اطاق اصناف گذاشته شد. اما مردم بزودی دریافته‌اند که اصطلاح "گوشت" به "گره" سپرده شده و خود گرانفروشان را مسئول مبارزه با گرانفروشی کرده‌اند. (اطلاعات) این بار گرانی و گرانفروشی بسا اجازه اطاق اصناف صورت میگرفت.

شس "کمیته حمایت از مصرف‌کننده" تشکیل دادند که "گرانفروشان" را معرفی کند. بدیهی است هیچک از این اقدامات مؤثر نیفتاد و نمیتوانست مؤثر واقع شود چون عوامل گرانی و کسپانی در خود و نیروی شاه همه جا همه وقت خود را بی‌پرده مدافع منافع امپریالیسم آمریکا و ارتجاع سیاه نشان داده است. نیاید وی در کمیسیون بین‌المللی نظارت بر آتش‌بس نیز همین سیاست را دنبال میکند. از همان موقع که صحبت از شرکت ایران در این کمیسیون میان آمد و آمریکا و سایگون فوراً نامزدی ایران را به این مقام پذیرفتند معلوم بود که شاه ایران به دستیار هم‌پالکی خود به سایگون می‌رود.

خلق قهرمان ویت نام ده‌ها سال است با تحمل دشواری و مصائب فراوان اسلحه بدست بخاطر استقلال و آزادی خود می‌جنگد. خلق قهرمان ویت نام غول عظیم آمریکا را آنچنان در هم کوبید که هنوز از زخ‌ضربات آن قهرمان راست نکرده است. ادامه مداخله آمریکا در ویت نام و دسائس‌نورک‌های وفادار وی نیز در برابر اراده آهنین خلق در هم خواهد شکست.

چنین سازمانی "بی ضرر" خواست رژیم نیست؟ آیا درست نیست اگر بگوئیم رژیم نیست و رژیم هر دو خواهان یک نوع سازمان توده‌ای هستند؟ گذشته از آن مگر رژیم نیست‌های حزب توده فراموش کرده‌اند که خود آنان تا زمانی که در کفدراسیون نفوذی کم و بیش داشتند و دانشجو جوان وابسته و هژمونی حزب توده در سازمانهای دانشجوی شرکت میکردند؟ آنزمان کفدراسیون از نظر آنان همچنان و بدون تردید سازمان توده بود. تجمع "گروههای چپ" در آن نیز امری درست و طبیعی و فعالیتش هم مورد تصدیق حزب توده بود. درست از آنزمان که همین کفدراسیون با روش شوروی نسبت به خلقهای جهان و ایران ابراز مخالفت میکند، درست از آنزمان که رژیم نیست‌های تیزی خود را در کفدراسیون از دست میدهند. بیکباره کفدراسیون سازمانی میشود غیر توده‌ای، محل تجمع "گروههای چپ‌رو" و... رژیم نیست‌ها در واقع با کفدراسیون از آن جهت مخالفت که کفدراسیون با سیاست توسعه طلبی شوروی مخالفت دارد. اینست اساس مطلب و درست بخاطر آنست که چنین سیاست درستی است که رژیم نیست‌های حزب توده بهر قیمتی که هست و با توسل به بهانه‌های گوناگون سعی در تضعیف مبارزات کفدراسیون، در تخطئه آن و در سلب اعتبار توده‌ها از آن مینمایند. برای آنان تنها یک معیار و ملاک سنجش واقعیت، تنها یک حقیقت وجود دارد و آن تبعیت بی چون و چرا از سوسیال امپریالیسم شوروی است. هرآنکه از منافع خلقهای ایران دفاع کند و به "حریم مقدس" اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی "دست تعرض اندازد، مورد سنجش و کینه رژیم نیست‌ها قرار میگردد. تمام اتهامات آنان به کفدراسیون نه بخاطر دلسوزی جنبش مردم میهن ما است، نه به منظور حفظ منافع توده‌های مردم بلکه بسبب تبعیت آنان از سیاست رژیم نیست‌های شوروی و برای حفظ منافع آنان در این تبلیغ میشود. توده‌های دانشجو نقش رژیم نیست‌های حزب توده را بخوبی میشناسند و انقلابیون ایران آنان را همچنان افشا خواهند ساخت.

رژیم نهفته است و با این اقدامات مسخره نمیتوان از گرانی و کسپانی جلوگیری کرد. افزایش قیمت‌ها در درجه اول ناشی از آزدنی بی حساب‌مشتی سرمایه دار و سودجو به تحصیل سود هرچه بیشتر است و رژیم ایران نه میخواهد و نه میتواند جلوی سودجویی طبقاتی را که خود در زمره آنها و نماینده و مدافع منافع آنها است بگیرد.

برای مبارزه با گرانی باید تولید داخلی را افزایش داد. اصلاحات ارضی، سیاست ضد دهقانی رژیم، عدم کمک به دهقانان و بالاخره مهاجرت دهقانان به شهرها تولید کشاورزی را بسوی انحطاط سوق داده است و در نتیجه حدی صرف داخلی نیز تأمین نمیشود. رژیم ایران با وجود برآمدن هنگفت از نفت به سرمایه‌گذاری لازم در رشته‌هایی که نیازمند بیهای مردم را بر میآورند و از آنجمله در کشاورزی امتناع میورزد. شاه برای تولید کشاورزی در خارج از کشور سرمایه‌گذاری میکند ولی برای سرمایه‌گذاری در داخل کشور و از آن جمله در زراعت و دام پروری به سرمایه‌های خارجی توسل میجوید که جوداتی غیر از احتیاجات مردم در سر دارند.

برای مبارزه با گرانی باید از واردات بی بند و بار جلوگیری کرد. امپریالیست‌ها درست از راه صادرات بیشتر قیمت‌های گرانتر و بازی با اسعار تورم خود را به کشورهای دیگر انتقال میدهند. رژیم ایران درست به استقبال مطامع آنان می‌رود و بجای افزایش تولید داخلی درهای کشور را بسوی وارداتی گشاید. طبیعی است که این سیاست بهیچوجه راه جلوگیری از گرانی نیست. برعکس، این سیاست تبهکارانه به سرمایه داران خارجی امکان میدهد که مقادیر زیادی از محصولات مانده و وارزه خود را به بهای گران به ایران بفروشند. بارز آن خرید گوشت ضمیمه و بیخ زردماز اروکوت و استرا-لیا است با علم به اینکه "این گوشتی نیست که مردم میخواهند" هم اکنون یک ملیون تن گندم به قیمتی بهرانب گرانتر از سال گذشته خریداری شده است ولی روزنامه‌کپهان با وقاحت تمام و برای فریب مردم مدعی است که گندم بیش از احتیاج اهالی در سیلوهای کشور موجود است.

گرانی و کسپانی تنها از کمبود تولید ناشی نمیشود شیو توزیع کالاهای مصرفی نیز وضع کسپایی و گرانی را وسیعتر میسازد. در ایران یک شت دلال، محترک، سلف‌خو، زمین‌خوار و سودجو... با تئانی با مقامات مسئول اجناس را احتکار میکنند تا آنها را بازهم گرانتر بفروشند. "میوه‌های خوب و بی‌فروب نیمه شب از بازار بهجت آباد به هتل‌ها و رستورانهای درجه یک با قیمت زیاد فروخته میشود." سودجویان با توجه بسه بالا بودن قیمت و عرضه کم قد و شکر در کشورهای مجاور قد و شکر مصرفی مردم را بصورت قاچاق به این کشورها حمل میکنند. "قد و شکر را محترکین و سودجویان به نرخ هر کیلو ۲۴ ریال و ۴۹ ریال می‌خرند و بطور قاچاق به کشورهای همسایه کسه نرخ رسمی خرده‌فروشی قد تا کیلویی ۵۵ ریال است می‌فروشند" (اطلاعات ۲۱ فروردین ۵۳).

برای رژیمی که فساد سرمایه‌ای آنرا فراگرفته و تطم مسو امر از شاه گرفته تا پاسیان ساده در اندیشه چاپیدن مردمان وضع توزیع محصولات نمیتواند بسود توده‌های مردم باشد. قطع و غلا که در سابق پدیده‌های نادر بود اکنون بلا داعی است. رژیم شاه هرچه بیشتر دوام بیاورد بلایای بیشتر و تازه‌تری به ارمغان می‌آورد. همه راه‌های رهائی خلق‌های ایران از بی‌رنگی رژیم شاه میگردد.

سوسیال امپریالیسم شوروی « تا گردن در قرض »

شوروی به کشورهای دیگر بیش از مبلغ ۱۰ میلیارد دلار بدهکار است. بنا بر اطلاعات مقامات یکن شوروی از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۳ از کشورهای باختری مبلغ ۷/۲ میلیارد دلار بعنوان اعتبار دریافت کرده است. بیش از ۳ میلیارد دلار کشور شوروی به اروپای شرقی و به خصوص به آلمان دموکراتیک بدهکار است.

بولتن اخبار بین‌المللی ۲۸ مارس ۱۹۷۴

باور نمیکنید

باور نمیکنید ولی حقیقت است. در تحت توجهات ذات ملوکانه ما بدروزه قیمت‌های نجومی رسیده و کلیه کشورهای جهان را پشت سر نهادیم. اگر محمد رضا شاه مدعی شود که در عرصه گرانفروشی تمام کشورها از جمله ژاپن و سوئد را پشت سر گذارده‌ایم این بار حتما سخنی بدروغ نمیگوید. این ادعای ما و این هم خبر کیهان هوایی ۱۸ خرداد ۵۳ "بفرمائید نویر کنید" انگور کیلویی ۳۳ تومان، توت - فونگی کیلویی ۲۲ تومان، کلابی کیلویی ۱۸ تومان، زرد آلبو کیلویی ۱۵ تومان، سیب کیلویی ۹ تومان و طالبی کیلویی ۴۵ ریال و ...

وزشکستی ... بقیمت‌ز صفحه ۴ : در ماه مزد کارشناس خارجی است و ۳۰۰ تومان در ماه. مزد کارگر شش‌مقد ایرانی است یعنی چهل و شش بار زیاد تر. اینکه چند سال این قدر بی‌بخت نادرست ادامه داشته، اینکه چه مدت از تا سیس این کارها میگذرد و از غارت منابع ما و استثمار کارگران زحمتکش خلق ما چه زمانی سپری گشته بر همه پوشیده است. ولی همین مختصر از حقیقت و حتمت‌ناک غارت کشور ما و استثمار بی حد طبقه کارگر ایران توسط سرمایه گذاران خارجی و داخلی پرده بر میدارد. تنها روزیکه طبقه کارگر قهرمان ایران دوباره در پیشاپیش جنبش خلق قرار گیرد و دست چنین سرما به داران را از هر قاشق و از هر لیلیتی که باشند کوتاه کند آنروز است که منابع ملی ما در اختیار ماست و از استثمار طبقه کارگر نیز سخنی در میان نخواهد بود.

از کرامات ... بقیمت‌ز صفحه ۴ : و تحصیلی در مدارس پر افتخار تدابیر در جهت بهبود کیفیت آموزش اولیا اطفال با هزینه خرید اسلاید و نوارهای آموزشی را نیز تا همین کنند. در حدود دو میلیارد دلار برای یک برنامه آموزشی ۲ ساله برای بالا بردن سطح آموزش همگانی و یکسان کردن آن در سطح کشوری از طریق سیستم درسی رادیویی و تلویزیونی و استفاده از وسائل سمعی و بصری که در چهار ماه پیاده خواهد شد اختصاص داده شده است ... انتظار میروید خریداری و توزیع تمام دستگاههای رادیو و تلویزیون و وسائل سمعی و بصری بعهده وزارت آموزش و پرورش باشد و تا همین لوازم سنگین از قبیل اسلاید ها و نوارها به عهده خود مدارس خواهد بود. (کیهان ۱۴ خرداد ۵۳)

چنانکه دیده میشود در صورتیکه انتظار برآورده شود لابل تا همین لوازم سنگین که در بخشنامه ۳۰۰۰ در جزو خدمات جنسی " بحساب آمده بر عهده خود مدارس است یعنی باز هم از طرف اولیا اطفال باید پرداخت شود. احتیاج خریداری دستگاه های رادیو و تلویزیون و وسائل سمعی و بصری نیز بر دوش اولیا اطفال خواهد افتاد و این پول تازه ای است که از توده مردم بعنوان بهبود کیفیت آموزش یکسان کردن آن در سراسر کشور گرفته میشود.

البته کرامات " فرمان رایگان " شدن تحصیل بهمین جا خاتمه نمی یابد. بلکه گویا پدران و مادرانی هستند که مخالف تحصیل فرزندان خویشانند و باید مجازات شوند! روزنامه کیهان ۱۱ اسفند ۱۳۵۲ نوشت: " در اجرای صحیح و سریع فرمان همایونی قانون مجازات پدران و مادرانی که مانع تحصیل فرزندان خود شوند تعلیم پارلمان خواهد شد. آن کارگر و دهقانی که قدرت مالی پرداخت این همه وجوه را در انبساط و باین دلیل فرزندش به مدرسه راه نمی یابد یا از مدرسه اخراج میشود باید تحت این عنوان که مخالف " فرمان ملوکانه عمل کرده است مجازات شود. زهی بیشری!

کرامات والطف " فرمان همایونی " حتی شامل غذای مختصری برای دانش آموزان شده است! " به هریک از دانش آموزان نیم لیتر شیر و یا ماده پروتئینی مشابه بایک قطعه نان شیرینی هر روز صبح برایگان داده میشود. " در کشوری که نان مردم کیاب و گران است. قد و شکر نیازمند بهای مردم را بهیچوجه بر نیارند، شیر حتی برای مخغوران و به قیمت گران پیدا نمیشود شاه به این فکر افتاده است که روزانه نیم لیتر شیر و یک قطعه نان شیرینی بطور رایگان به دانش آموزی بدهد. باید اذعان کرد که شاه در دروغ سازی و عوام فریبی استاد کهنه کاری است.

رایگان شدن آموزش در ایران فریبی بیش نیست. مدار غیر دولتی باقی میمانند، ظرفیت کلاسها همچون سابق بیش از حد معمول است، ساختمان مدارس همان بیغوله های قدیمی است، معلمین فاقد صلاحیت لازم اند، شهریه همان خواهد بود که قبلا بود، باید به طرق مختلف تحت عنوان " خدمات جنسی " به مدارس پول پرداخت و ... آموزش و پرورش در همین رنج کشیده ما همچون سایر رشته های اقتصادی و سیاسی دچار بلیه استعمارزدگی است. تنها با سرنگونی رژیم محمد رضا شاه و پیروزی انقلاب توده های خلق بهره‌بردی طبقه کارگر مسئله آموزش رایگان واقعاً تحقق خواهد یافت.

تشدید ... بقیمت‌ز صفحه ۴ : بخورد مردم میدهد که نه تنها از خطر جنگ گرم هر روز بیشتر می‌کاهد بلکه دوران جنگ سرد هم سپری شده، کشش بین ابلایی تخفیف یافته و گویا دوران صلح و آرامش سر رسیده است. اگر چنین است پس ناوگان جنگی شوروی و آمریکا در هزاران کیلو متر از سواحل کشورهای خود چه میکنند؟

از عجایب امر اینکه هر دو ابر قدرت آوای صلح و دوستی سر میدهند ولی هریک دیگری را بر هم زنده صلح میخواند و با این اِسناد هریک حضور و تقویت ناوگان خود را در اقیانوس هند لازم و ضروری قلمداد میکند. اتحاد شوروی تبدیل جزیره دیگوگارسیا به پایگاه نظامی، اقدام جنگجویانه، تهدید مستقیم علیه صلح و امنیت تلقی میکند و آنرا " قدمی خطرناک برای امر صلح " بحساب میکند. مقامات آمریکائی برعکس حضور شوروی را تهدیدی برای کشورهای این منطقه می‌شمارند و بر آنند که پایگاه دیگوگارسیا " برای حفظ و حراست کشورهای دوست آمریکا در این منطقه ضرورت دارد. "

شاه، این آلت اجرای سیاست آمریکا در منطقه خلیج و اقیانوس هند، با صراحت از حضور ناوگان آمریکا و تبدیل جزیره دیگوگارسیا به پایگاه نظامی آمریکا جانبداری میکند. شا اگر برگشته برای حفظ ظاهر بر آن بود که خلیج فارس و اقیانوس هند باید از رقابت دو ابر قدرت برکنار ماند و امنیت آن توسط کشورهای منطقه تأمین شود، اکنون حضور ناوگان آمریکا را در اقیانوس هند ضروری می شمارد. دلایلش هم اینست که ناوگان جنگی شوروی که در اقیانوس هند لانه کرده صلح این منطقه را بخطر انداخته است او در پاسخ سخوال خبرنگار روزنامه " یو. اس. نیوز " اندر ولدر ریپورت که " آیا فکر نمیکنید که آمریکا باید در دریای عمان دارای نیروی نظامی باشد؟ " میگوید: " مادام که بحریه روسیه در خلیج حضور نیرومندی دارد. من خوشحالم که شما نیز حضور دارید. "

رویزونیست های ایرانی نیز بدنیال نخست وزیر هند برآندند که ناوگان جنگی شوروی در اقیانوس هند پیام آور صلح است و گویا بخاطر آنست که امنیت کشورهای منطقه را در مقابل تجاوزات امپریالیسم آمریکا حفظ و حراست کند.

شاه از یکسو و رویزونیست های ایرانی از سوی دیگر هر کدام دفاع از منافع اربابان خود را بعهده گرفته‌اند. اما واقعیت اینست که علیرغم اعتراض و نگرانی خلق های منطقه - ناوگان امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی مجهز به مدرن ترین و هلاکت بازترین سلاح ها در اقیانوس هشتند و خلیج فارس حضور دارند و با حضور خود آراشتن و صلح و امنیت خلق هارا در مخاطره افکنده اند.

منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند دارای ثروت های طبیعی و انسانی عظیمی است. بنا بقیمت استاد آکادمی در ایالت آمریکا " بخش غنی اقیانوس هند حاوی قسمت اساسی دست نخورده معدنی و کشاورزی و جنگلی و همچنین حاصلخیزترین مناطق آفریقا است. " در حاشیه مرز شمال غربی آن ۶۰ درصد ذخائر شناخته شده نفت عالم قرار دارد، بخش شمالی شامل منابع انسانی هند و بخش شرقی شامل ثروت های هند - شرقی است، منطقه خلیج و اقیانوس هند دارای اهمیت استراتژیکی فراوانی است. آیا همین کافی نیست برای آنکه غارتگران این منطقه را به صحنه رقابت خود مبدل گردانند؟ امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی در این منطقه لانه کرده اند برای آنکه نفوذ خود را هر چه بیشتر در کشورهای سواحل اقیانوس هند و خلیج فارس گسترانند باز آزادی و استقلال خلق ها جلو گیرند و ثروت های طبیعی آنها را به تاراج برند. خلق های این منطقه بکرات صدای خود را علیه حضور دو ابر قدرت بلند کرده. باید هر چه زودتر به حضور شوم و نا - میعون آنها در اقیانوس هند خاتمه بخشید.

در موقعی که کشور ما از حیث مواد غذایی، گوشت، نان، شیر، قند و شکر، میوه و غیره شدت در ضیق است، عقل سلیم حکم میکند که از عایدات هنگفت نفت بودجهای کافی برای تهیه مواد غذایی اختصاص داده شود. اما شاه دولت ایران از عایدات نفت، که رقم آن باز هم افزایش یافته و به ۲۰ میلیارد دلار رسیده است، برای سرمایه - گذاری در کشورهای خارج آنهم برای تهیه مواد غذایی استفاده میکنند و در عوض برای سرمایه گذاری در کشاورزی و دامپروری ایران از سرمایه های خارجی استمداد میجویند. شاه را با زندگی و مشکلات مردم کاری نیست. او فرمان مشاوران خارجی را کردن مینهد!

ایران از سرمایه گذاری خارجی

در کشاورزی و دامپروری استقبال میکند

ایران از شرکت سرمایه های خارجی در طرح های وسیع کشاورزی و دامپروری استقبال میکند و اقداماتی در جلب سرمایه های خصوصی داخلی و خارجی در رشته کشت و صنعت بعمل آورده است ... مزایایی که دولت ایران برای سرمایه گذاران خارجی در رشته کشاورزی در ایران قائل میشود استفاده کامل از قانون حمایت سرمایه های خارجی، از جمله حق بزرگ اندن سرمایه و سود بکشور مبدأ سرمایه است. از مزایای دیگر دادن وانه بهره گنما میزان نصف سرمایه متقاضی وام، اجازه دادن زمین قابل آبیاری به مدت طولانی و اجازه بهای ارزان، ساختمان راه های فرعی و کانالهای آبیاری مورد احتیاج بطور مجانی، اعتباراتی با بهره کم برای انجام صدور محصولات کشاورزی، معافیت از حقوق گمرکی برای ورود ماشین های کشاورزی و مواد خام اولیه است. کیهان دوم اسفند ۱۳۵۲

ایران بوی تهیه مواد غذایی

در خارج سرمایه گذاری میکند

وزارت کشاورزی و منابع طبیعی برای تأمین گوشت غلات و بدانه های روفنی در نظر دارد. تا حد میلیون دلار در سه کشور خارجی سرمایه گذاری کند ... با افزایش درآمد نفت به این مبلغ نیز افزوده میشود ... سرمایه گذاری بصورت خرید یا اجاره اراضی و ایجاد تأسیسات و مزارع لازم برای تولید خواهد بود. سرمایه گذاری در کشورهای مختلف و همچنین توجیه اقتصادی و فنی این عملیات از طرف وزارت کشاورزی در دست اقدام است در صورتیکه نتیجه مطالعات مهندسان مشاوران داخلی و خارجی انجام این سرمایه گذاری را تأیید کنند بر اساس مقررات کشورهای زیربط توافق لازم برای مشارکت با سرمایه گذاری فراهم گردد. وزارت کشاورزی بلافاصله اقدامات لازم را بعمل خواهد آورد. کیهان ۲۵ دی ۱۳۵۲

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D' ADDA/ITALY
حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

رقابت دو ابر قدرت صلح جهان را تهدید میکند

ورشکستگی سببی برای کشف حقیقت

یکی از سهامداران عمده این کارخانه است و از تصدق سر یار و یاور خوش محمد رضاشاه از این نقد کلاهی میرود. این روز که فرمان این غارتگری صادر شد از تا سیس این کارخان صحتی هم نشد و امروز که ... کارگر آن گویا در اثر مدیریت بد و ورشکستگی کارخانه بیکار شده اند. کوششهای از واقعیت را عیان ساخته اند. اطلاعات در باره علل این ورشکستگی نوشت: «علل ورشکستگی کارخانه چند فقره برداشت غیرقانونی (منظور همان دزدی است که چون در مورد راهزنان بیس-الطبی و پادشاه بلغار استعمال میشود لفظ ظم استعمال گردیده است - توفان) و مدیریت نادرست مقامات مسئول ذکر شده ... است ... واقعیت اینست که بر سر تقسیم اموال مسوده در بین این دزدان بین الطلی نزاع در گرفته است و کار که بالا گرفته گمان حقیقت امکان ناپدید گشته است ... در چند خط بالاتر اطلاعات حتی از این مدیریت نادرست بیشتر صحبت میکند و مینویسد: " نحوه نادرست مدیریت و پرداخت دستمزدهای گزافی به کارشناسان خارجی که گاه تا ۱۴ هزار تومان در ماه میرسید کارخانه را ورشکسته کرد ... " توجه کنید ۱۴ هزار تومان بقیه در صفحه ۳

میکوند وقتی چنگیزخان بایران لشکر کشید بسیاری از مردم بیکاره را از دم تیغ بیدریغ خوش وحشیانه گذراند ... نیشابور حتی به حیوانات نیز رحم نکرد و جان از هر جنبند ما گرفت ... مغولان امروزی امپریالیستها بسیار خونخوارتر و وحشیانه تر از قبل عمل میکنند ... کشور ما را محل تاخت و تا خود ساخته اند و تمام منابع ثروت ما را باغارت میبرند ... و در ستم امپریالیستی ۳۱ میلیون جمعیت ایران بمرگ تدریجی محکوم است ...

تمام عرصه های ثروت کشور ما مورد دستبرد امپریالیستها است و شاه حافظ منافع آنها ... هر روزی که میگردد قسمت بیشتری از این غارت در اثر حادثه یا واقعه ای نمایان و نمایان میگردد و دامنه وسعت این چپاولگری برملا میشود ...

روزنامه اطلاعات در ۲۸ بهمن ۵۲ نوشت: «کارخانه کسرو قورباغه گیلان ورشکست شد!» و در توضیح بیشتر بر این مقاله اضافه نمود: «این کارخانه که چندی پیش با سرمایه ای معادل شصت میلیون ریال ... آغاز به کار کرد ... کسرو قورباغه در ایران خریداری ندارد و کسی را اشتیاقی ... تناول آن نیست ولی با سرمایه مختلط ایرانی و خارجی کارخان ای تأسیس میشود که تمام تولیداتش با دستمزدها ناچیز کارگر ایرانی تهیه شده و در خارج بفروش میرسد ... بر این گونه صنعتی که باید ما را به «روزانه» بزرگ نمند برساند هیچ چیز جز چپاول و ستم غارتگرانه امپریالیستی نام دیگری نمیتوان داد ... سه سهامدار ایرانی - آلمانی و بلغاری جمع میشوند کارخانهای تا سیس میکنند قورباغه های ایران را شامل مراحم امپریالیستی میگرددند به استثمار کارگر ایرانی همت میکارند و تمام تولید و تمام استفاده سرشار خود را از ایران خارج میکنند ... این نمونه ایست از تهاجم امپریالیستی بایران صنعتی شد کشور ما ... ولی وحدت نظر در غارت خلق ایران تنها منحصر به سه سهامدار ایرانی، آلمانی، بلغاری نیست ... پادشاه بلغارستان که سالها خون خلق بلغارستان را مکیده است نیز

تشدید رقابت دو ابر قدرت در اقیانوس هند

ای صلح چه تبهکاریها که بنام تو مرتکب میشوند! در اقیانوس هند رقابت امپریالیسم آمریکا و سوسیال-امپریالیسم شوروی هر روز بر شدت خود می افزاید ... هر یک از دو ابر قدرت نیروی نظامی و ناوگان دریایی خود را در این منطقه افزایش میدهد ... آرامش و صلح اقیانوس هند را برهم میزند و آینده کشورهای ساحلی این اقیانوس را در معرض تهدید قرار میدهد و شکفتن همه این کارها را بنام صلح میکنند ... یکی از صلح دم میزند ولی در پی ساختن بزرگترین پایگاه دریایی در جزیره کوچک دیگوگارسیا است ... دیگری دم از صلح میزند در حالی که کشتی های او مدام آبهای اقیانوس هند را می شکافتد و با آنکه اکنون حق استفاده از بنادر و تسهیلات بندری بسیاری بدست آورده است باز بدست نیال تحصیل پایگاههای بیشتر و تسهیلات بندری دیگری است ... اگر واقعا این دو امپریالیسم منادی صلح اند و هدفش ندارند جز آنکه صلح و دوستی برای خلق های این منطقه به ارمغان آورند چرا به قطعنامه دسامبر ۱۹۷۱ جلسه عمومی سازمان ملل متفق رای موافق ندادند؟ چرا علیرغم اعتراض خلق های ساحل اقیانوس هند از حضور خود در این اقیانوس دست برنمی دارند؟ چرا شوروی صلح طلبانه گنگامی که پیش نهاد تبدیل « اقیانوس هند به منطقه صلح » از جانب سرری لانکا و کشورهای دیگر در سازمان ملل مطرح شد صریحا اعلام کرد که « نمیتواند ناوگان خود را از اقیانوس هند بیرون برد؟ » این چگونه صلحی است که باید بزرگ آنرا تحمیل کرد؟ چگونه صلحی است که با ناوگان جنگی تا مین میشود؟

روزنامه پروادا که از « صلح برای اقیانوس هند » سخن میگوید بر آنست که تهدید شوروی در این منطقه افسانه است ... افسانهای ساخته محافل امپریالیستی و ارتجاعی ... اگر چنین است آنگاه این سؤال پیش میآید که آخر رفت و آمد ... چسبا ... واحد از ناوگان جنگی شوروی میان ماداگاسکار و اندونزی چه مقصدی را دنبال میکنند؟ حضور طولانی ناوگان شوروی در بندر شینگاگونگ در بنگلادش چه منظوری است؟

کشورهای امپریالیستی همیشه برای آنکه سابقه تسلیحاتی خود را بمنظور تقسیم جهان و مناطق نفوذ بیوشانند حفظ صلح و امنیت بین الطلی را بهانه قرار داده اند ... دو ابر قدرت نیز امروز به همین مانور سالوسانه دست میزنند ... آنها پیوسته بر بودجه های جنگی خود می افزایند ... تسلیحات خود را و از آنجمله سلاح اتمی و هسته ای را تکمیل میکنند ... ارتش خود را در کشورهای دیگر متمرکز میدهند ... با ارتش خود کشورهای دیگر را تهدید میکنند ولی همه اینها گویا بخاطر صلح صورت میگیرد و خلق ها باید دغدغه بخاطر راه ندهند زیرا « فرشتگان صلح » بر بالای سر آنها ... در آبهای ساحلی آنها در مرزهای آنها با محمولات اتمی و غیر اتمی مرگبار خود دربروازند ...

اخیرا روی زمین های شوروی وجود پایگاه های شوروی را در اقیانوس هند تکذیب کردند ... اما یک نگاه کلی به نقشه اقیانوس هند نشان میدهد که شوروی در این اقیانوس حضور استفاده از بنادری چند را برای خود تحصیل کرده ... در جزایر یا بنادر دیگری تسهیلات بندری بدست آورده است ... همین اواخر در جزیره موریش در جنوب این اقیانوس درست در بندر کشتی های نفت کش بمقصد اروپا و آمریکا روانه درازا ... اقتصاد و نظامی از تسهیلات بندری تازه ای برخوردار گردیده است ... تبلیغات امپریالیسم و بویژه سوسیال امپریالیسم شوروی بطور مداوم این پندار واهی را بقیه در صفحه ۳

« زیب و زیور انسان بلشویک غرور و خود پسندی نیست ، تواضع و فروتنی است » استالین

جستجوی حقیقت از واقعیات

باید نه بر تصورات ذهنی ، نه بر شور و شوق گذرا و نه بر کلمات بیروح کتب بلکه بر واقعیات همانطور که بطور عینی وجود دارند تکیه کنیم ... در واقع به جمع مدارک بپردازیم و در پرتو اصول مارکسیسم - لنینیسم نتایج صحیحی از آن استخراج کنیم ... چنین روشی بمعنای جستجوی حقیقت از واقعیات است ... چنین روشی چیزی دیگری جز تجلی روح حقیقی ، جز سبک کار مارکسیستی - لنینیستی که ثوری را با عمل پیوند میدهد نیست ... (مائوتسه دون)

از کرامات « آموزش رایگان »!

وابسته به دربار از قبیل اطلاعات و کیهان صفحات متعدد ی را اختصاص به توضیح و تفسیر آن داده و بحیث کوشیدند تا عدم وجود تناقض بین فرمان « رایگان » شدن آموزش و بخشنامه را توضیح دهند ... صدای اعتراض علیه این بخشنامه آنچنان بالا گرفت که وزارت فرهنگ مجبور شد توضیحات تازماری بر آن بیفزاید بدون آنکه در ماهیت امر تغییری روی داده باشد ... شاه طی فرمان « رایگان » شدن اعلام داشت ؟ وسائل تحصیل رایگان همه نوآموزان و دانش آموزان کشور از کودکتار تا پایان دوره راهنمایی از طرف دولت تا مین خواهد گردید ... بخشنامه ۳۰۰۰ که جهت صحیح به اجراء آوردن فرمان ملوکانه صادر گردیده بود منظور شاهانه را روشن بیان نمود ... حد اکثر شهریه یا خدمات اضافی از میزان سال گذشته تجاوز نخواهد کرد ...

محمد رضاشاه در اسفند ماه ۵۲ فرمانی جهت « رایگان » ساختن آموزش در ایران صادر کرد ... « رایگان » شدن آموزش همچون سایر کرامات این غلام خانه زاد امپریالیسم عوام فریبی پیش نبود ... ناراضی عیبی از وضع غیر قابل تحمل تحصیلی در مدارس ایران شاه را هراسناک گردانید ... او عجلولانسه فرمانی امضا کرد تا بلکه بتواند بدینوسیله ناراضی عیبی خلق ایران را با اعلام « رایگان » شدن تحصیل تسکین بخشد ... وزارت فرهنگ وظیفه انجام فرمان شاهانه را بر عهده گرفت ... بخشنامه ۳۰۰۰ آن وزارتخانه ماهیت فرمان ملوکانه را عیان گردانید ... انتشار این بخشنامه هدف شاه ورژیم ایران را منبو بر تحکیم سیستم آموزش کثیف آشکارا بهنگان نشان داد ... اقتضای بخشنامه ۳۰۰۰ تا بدانجا دامن گسترده که مطبوعا

کارشناسان

در حال حاضر در حدود ۱۵ هزار نفر خارجی در ایران مشغول کار هستند که اکثر در سمت کارشناس و متخصص فنی انجام وظیفه میکنند ... آیا باین تعداد کارشناس خارجی احتیاج هست و تحصیل کرده های ایرانی نمیتوانند لاقط قسمتی از وظایفی را که آنها بعهده دارند انجام دهند ؟ تحقیقات ما نشان میدهد که پاسخ این سؤال منفی است و به اینست تعداد کارشناس خارجی نیازی نیست ... مطلقا که خود کارشناسان خارجی نیز آنها را تأمین میکنند ... چندی پیش فرصتی دستاد و با یکی از این کارشناسان آشنا شدم ... آنچه برای من جالب بود اینکه خود او اذعان کرد که بوجودش در ایران احتیاجی نیست و ایرانیانی را میشناسد که همان کار او را بهتر میتوانند انجام دهند و میگفت اکثر کارشناسان خارجی که اومی شناسد در این باره نظر مشابهی دارند ... از مطبوعات ایران

آمارهای رسمی میزان شهریه مدارس غیر دولتی را ما بین ۵۰۰ تا ۲۳۰۰ تومان نشان میدهد ... با توجه به بخشنامه این مدارس در سال آینده نیز همین شهریه را دریا خواهند داشت ... در قاموس رژیم محمد رضاشاه افزایش نیافتن شهریه مدارس یعنی « رایگان » شدن آنست ... اما از آنجا که گرانی و افزایش قیمت ها در ایران سیر صعودی می نماید شهریه مدارس میلیا نمیتواند در حد سال گذشته باقی بماند و فشار آن باز هم بیشتر بر روی توده مردم سنگینی خواهد نمود ... بر طبق فرمان « رایگان » شدن آموزش سرمایه دارانی که مدارس غیر دولتی را اداره میکنند علاوه بر دریافت وجه از اولیا اطفال مبالغی هم از دولت دریافت میکنند اینهم آن سرپاری است که زحمتکاران ایرانی باید با پرداخت بیشتر مالیات جبران کنند ... در کار شهریه پول کتب درسی ، پول تدریس زبان خار پول ناهار و اتوبوس باید از جانب اولیا اطفال تأمین گردد ... در ضمن برای بالا رفتن سطح علمی بقیه در صفحه ۳

پیروز باد مبارزه دلیرانه خلق های هندو چین

توفان را یاری کنید !

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان را رتعماد و ره فعالیت خویش تنها و تنها بر نیروی معنوی و مادی رفقا ، در استان و هواداران خود متکی بود ما ست . مشکلات روز افزون سازمان ما که از گسترش مبارزه و انجام وظایف انقلابی ناشی میشود فقط با همکاری و همکاری انقلابیون راستین و آزاد یخواهانی که آرزوی آزادی و استقلال ایران و بهروزی بشریت را در برتوآرمانهای طبقه کارگر در ل دارند ، از سر راه برداشته میشوند .

خیانت گروهی سوراگر به سازمان توفان و جنبش کمونیستی ایران ، اثرات زیانبار خود را بطور گد را بر همه امور سازمانی بجای گد ارد . انشعابگران امکانات و اموال سازمان را با توطئه قبلی و با این تصور که شاید عرصه مبارزه بر سازمان ما تنگ شود و دگان شیادی و کاسبکاریشان رونقی گیرد ، بتاراج بردند . ولی سازمان توفان به همت رفقای صدیق و وفادار و باتکیه بر حقیقت مارکسیسم - لنینیسم مبارزه را سخت تر از پیش از سر گرفت و راه صحیح احیاء حزب طبقه کارگر و عرصه ایران را دنبال کرد . طرفداری و پورتونیسیم از سازمان ما گامی جدی در جهت احیای حزب واقعی طبقه کارگر ایران است .

ما در این شرایط در شوار از همه علاقمندان به سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان میطلبیم که با کمکهای معنوی و مادی خود مبارزات سازمان توفان را یاری کنند . کمک شما هر چند که کوچک باشد ، شمر شمر خواهد بود . نشریات توفان را مطالعه کنید و در اختیار دیگر مبارزین گد داشته و با استغفار ما از ابتکارات گوناگون بهایران بفرستید . نظریات ، پیشنهادات و انتقادات خود را با سازمان ما در میان گد آریسد .

121 CAPEL ROAD FOREST - GATE
LONDON E.7 ENGLAND

عنوان مکاتبات

A, C No : 70941611

حساب بانکی

BARCLAYS BANK LIMITED

WARDOUR STREET BRANCH

183 WARDOUR STREET

LONDON, W1V 4BE ENGLAND